

موضوع: مسائل مستحدثه / تغییر جنسیت

جلسه دهم، ۱۵ دی ۱۳۹۸

استاد سید احمد خاتمی

سخن پیرامون این؛ تکلیف زنی که مرد شده، تکلیف مهریه آن چیست؟ در صورت اول آنجا که به او دخول نشده باشد و در صورت دوم آنجا که دخول شده باشد. در صورت دخول تقریباً مساله مسلم است که تمام المهر به زن مرده شده تعلق می گیرد. چون دخول با مهر تلازم دارد. روایات را خواندیم. یکی دو روایت دیگر را هم می خوانیم.

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَا يُوجِبُ الْمَهْرُ إِلَّا الْوِقَاعُ فِي الْفَرْجِ [1].

سند روایت

علی بن حسن بن فضال اگر باشد سند جناب شیخ طوسی به او صحیح است. دیگران که علی بن الحسن هستند فی بعضها سند ضعیف است و فی بعضها سند صحیح است. محمد بن ولید، محمد بن ولید خزاز است. ایشان و معاویه بن حکیم مصدق بن صدقه، محمد بن سالم بن عبدالحمید کلهم فطحیه و هم من اجلة العلماء الفقهاء و العدول بعضهم ادرك الرضا عليه السلام وكلهك كوفيون و قال النجاشی محمد بن ولید الخزاز ابو جعفر الكوفي ثقة عين نقي الحديث. بهتر از این نمی شود تجلیل داشت. یونس بن یعقوب، قال بعبدالله ثم رجع ثقة، من اصحاب ابی عبدالله علیه السلام، از ثقات و خواص امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بوده و نیز وکیل امام کاظم ع بوده. وکان یتوکل لابی الحسن و مات فی المدینه فی ایام الرضا علیه السلام فتلولی امره و کان حزیا عندهم موثقاً. این نشان دهنده این است فطحی هم نبوده است اگر فطحی بوده کان منحرفاً و امام علیه السلام تجهیز یک منحرف را انجام نمی دهد و بله در یک مقطعی قال بعبدالله ثم رج بنابراین روایت مورد قبول است

دلالت روایت

موجب مهر وقاع در فرج است و فرض این است که وقاع در فرج اتفاق افتاده است.

مساله دیگر که جنجالی است و باید در مورد آن صحبت کنیم.

صورت دیگر مساله: لو تزوج امرئاً فتغیر جنسها فصارت رجلاً بطل التزویج من حین التغییر و علیه المهر تماماً لو دخل بها قبل التغییر فهل علیه نصفه مع عدم الدخول او تماماً فيه اشکالٌ والاشبهه التمام.

سخن در این است اگر دخول نشده باشد حق نصف مهر یا حق تمام مهر را داد. در قصه طلاق تردید وجود ندارد، زن مالک نصف مهر است. سخن این است اینجا هم مثل طلاق است یا مثل طلاق نیست؟ اول باید باب روایت باب را بخوانیم، مضمون آن است که زن با تزویج مالک تمام مهر می شود. منتهی اگر طلاق قبل از دخول صورت گرفت مرد نصف مهر را از زن پس می گیرد.

عَلِيٌّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ، عَنْ عَبْدِ بْنِ زُرَّارَةَ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَجُلٌ تَزَوَّجَ امْرَأَةً عَلَى مِائَةِ شَاةٍ، ثُمَّ سَاقَ إِلَيْهَا الْعَنَمَ، ثُمَّ طَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا، وَقَدْ وُلِدَتْ الْعَنَمُ. قَالَ: «إِنْ كَانَتْ الْعَنَمُ حَمَلَتْ عِنْدَهُ رَجَعَ بِنِصْفِهَا وَنِصْفِ أَوْلَادِهَا، وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَمْلُ عِنْدَهُ رَجَعَ بِنِصْفِهَا، وَلَمْ يَرْجِعْ مِنَ الْأَوْلَادِ بِشَيْءٍ» [2]

سند روایت

موثقه عبید بن زرارہ است

علی بن ابراهیم از پدرش ابراهیم بن هاشم از ابن ابی عمیر از ابن بکیر که عبدالله بن بکیر است. تا عبدالله زنده بود قال بعبدالله و بعد از آنکه عبدالله افطح مرد به امام کاظم علیه السلام رجوع کرد. امام صادق علیه السلام او را منحرف می دانست و می فرمود: انه مرجئ صغیر، وکان یخالط الحشویة. با یک فرقه منجرفی بنام حشویہ نشست و برخواست داشت؛ و همین سبب انحراف او شد. ادعای امامت کرد. به ناحق یک عده ای را منحرف کرد که یکی از آنها عبدالله بن بکیر است ولی وثاقت عبدالله مورد تایید است. عبید الله بن زرارہ فرزند زرارہ است و کان احوال از جهت جسمی این چنین بود اما چهره مورد تایید است. پس روایت موثقه می شود و اسم آن موثه زرارہ است.

دلالت روایت

مردی زنی را با مهر صد گوسفن تزویج کرد، بعد از آن صد گوسفند را برای زن فرستاد. قبل از دخول زن را طلاق داد و صد گوسفند زایده شده بودند و دویست گوسفند شدند. امام علیه السلام فرمودند: اگر گوسفندان نزد او باردار شده بودند فرزندان گوسفندان برای او نیز است. و اگر باردار شدن گوسفندان نزد مرد نباشد بلکه نزد زن باردار شده اند نصف غنم را بر می گرداند اما در فرزندان گوسفندان به نصف آن رجوع نمی کند. در باب طلاق حرف این است اما در باب غیر طلاق شک داریم که مرد حق رجوع دارد یا حق رجوع ندارد؟ استصحاب عدم حق را جاری می کنیم. چون روایاتی که گفته اند الرجوع الی النصف درباره طلاق است و غیر طلاق را شامل نمی شود. این استدلال را آیت الله خرازی در کتاب البحوث الهامة ج ۲ ص ۱۲۸

ذکر کرده است. و لادلیل علی الحاق تغییر الجنسیة فی الطلاق بین الدخول و تمام المهر و عدمه و نصف المهر اذ الادلة مخصوصة بالطلاق فلايشمل صورة تغییر الجنسیة، و لذا ذهب جماعة الى عدم فی الموت و الردة و الارضاع ولعله ذهب سيدنا الامام المجاهد الى وجوب التمام حيث قال فهل عليه نصفه مع عدم الدخول او تمامه فيه اشکال و الاشبه التمام. ملاحظه بفرمایید موضوع بحث زنی که مرد شده است و هنوز طلاق صورت نگرفته تا در وادی طلق برود شده سالبه به اتفاء موضو طبق ادله با ازدواج زن مالک تمام مهر می شود و طلاق قبل از دخول صورت بگیرد. در اینجا استصحاب مالکیت زن برای تمام مهر ثابت می شود دلیل نداریم که مانند طلاق زن مالک نصف است لذا مرد بعد تغییر جنسیت نصف را از زن می گیرد.

مساله ای که در اینجا مطرح می شود اینکه آیا زن می تواند بدون اجازه شوهر تغییر جنسیت کند؟ جواب، کمتر از این نیاز به اجازه دارد، تا چه رسد تمام ناموس او باشد بخصوص نامحرم لمس و نظر کند قطعاً حرام است. لکن با تغییر جنسیت حق زن از بین نمی رود. یعنی نفقه مدت زوجیت قبل از تغییر جنسیت ثابت است. با ارتکاب حرمت تکلیفی شده است موجب سقوط حق نفقه نمی شود. و نیز خواهیم گفت که مهر در مقابل بضع نسیت چون اگر دخول صورت نگرفته باشد لازمه اش این است که زن مالک چیز از مهر نمی شود.

آری این اشکال مطرح می شود که آنچه در روایت بود بحث از طلاق است و در تغییر جنسیت زن مرد که می خواهد مهر خودش را بگیرد تمام آن را یا نصف مهر را بگیرد؟ شرط در باب نکاح داریم یک قسم شرط های تصریحی که توسط زن یا مرد می شود مانند شرط زن در حق سکونت. برخی شرطها ارتکازی هستند مانند کارهای خانه از جمله شرط های ارتکازی هستند که بر عهده زن هستند و مانند شرط بکارت. شرط ارتکازی مانند شرط تصریحی است بنابراین ازدواج که با غیر همجنس است شرط ارتکازی است حال این زن که شوهر با قصد زندگی با او تغییر جنسیت بدهد در حقیقت ماهیت این تعامل را بر هم زده است و خلاف شرط عمل کرده لذا مالک هیچی از مهر نیست بنابراین مرد تمام مهر را پس می گیرد. در نتیجه این مطلبی که عرض کردیم کاملاً در جهت مقابل کلام امام راحل که فرموده است «الاشبه التمام». و چه کلام امام راحل براساس روایتی که بیان گذشت با توجیه آن که شک می کنیم با تغییر جنسیت و عدم دخول مرد به تمام مهر بر می گردد یا به نصف آن، استصحاب تمام شد در حالی که گفتیم این مربوط به طلاق است و شامل تغییر جنسیت نمی شود. بنابراین شرط جنسیت از شرایط ارتکازی عقد نکاح است در نتیجه تخلف از شرط و تغییر جنسیت قبل از دخول هیچی از مهر ملک زن نخواهد بود و مرد به تمام مهر بر می گردد. و کلامی که در باب بکارت گفته شد در تغییر جنسیت نیز گفته می شود. البته بحث ادامه دارد.

---

[1] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٢١، ص ٣٢٠، أبواب المهور، باب ٥٤، ح ٦، ط آل البيت.

[2] الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج ٦، ص ١٠٦.